

پاسخ به شبهات پیرامون عزاداری برای امام حسین (علیه السلام) 02

```

to see this player. Get the Flash Player
var s1 = new SWFObject (
"fckeditor/editor/plugins/flvPlayer/mediaplayer.swf","single","400","300","7" ) ;
s1.addVariable ( "width","400" ) ; s1.addVariable ( "height","100" ) ;
s1.addVariable ( "autostart","false" ) ; s1.addVariable (
"file","/sound/salam/861027.mp3" ) ; s1.addVariable ( "repeat","false" ) ;
s1.addVariable ( "image","" ) ; s1.addVariable ( "showdownload","true" ) ;
s1.addVariable ( "link","/sound/salam/861027.mp3" ) ; s1.addParam (
"allowfullscreen","true" ) ; s1.addVariable ( "showdigits","true" ) ; s1.addVariable (
"shownavigation","true" ) ; s1.addVariable ( "logo","" ) ; s1.write (
"player611359" ) ;

```

لینک دان لود

بسم الله الرحمن الرحيم

موضوع: پاسخ به شبهات پیرامون عزاداری برای امام حسین (علیه السلام) 02

شبکه سلام: 27 دي 1386

اسلامي بهم ريخت و سنت رسول اكرم (صلي الله عليه و آله) دست خوش تغيير شد. إن شاء الله
هنگام بحث در مورد علت قيام امام حسين (عليه السلام) ، اينها را مفصل مورد بررسي قرار
خواهيم داد. آنچه كه مسلم است اين است كه بعد از 25 سال آقا امير المؤمنين (عليه السلام) زمام
امور حكومت را بدست گرفت؛ ولي متأسفانه ، آن كينه هاي بدري و احدي و حيني ، شعله ور شد و
نگذاشتند آقا امير المؤمنين (عليه السلام) پس از 25 سال كه حكومت را بدست گرفته ، بتواند اين
كشتي امت اسلامي را به ساحل برساند. اين خيلي روشن و واضح است كه خود آقا امير المؤمنين (
عليه السلام) هم كاملا اشاره دارد به اين قضيه و مي فرمايد:

**اللهم إني استعديك علي قريش ، فإنهم اضمروا لنيك ضروبا من الشر و الغدر ، فعجزوا عنها
و حلت بينهم و بينها ، فكانت الوجبة بي و الدائرة علي ، اللهم إحفظ حسنا و حسينا و لا تمكن
فجرة قريش منهما ما دمت حيا.**

خدایا از تو استمداد می کنم مرا در مقابل توطئه قريش یاری فرما؛ اينها نسبت به نبي مكرم
(عليه السلام) توطئه هايي را در سر مي پروراندند و عاجز ماندند از پياده كردن آن توطئه ها
، خدایا تو بين قريش و توطئه هاي بر ضد نبي مكرم (عليه السلام) مانع شدي و انتقام نبي
مكرم (صلي الله عليه و آله) را از من علي گرفتند.

بعد دستش را براي دعا برمي دارد و مي گوید:

خدایا حسن و حسينم را از شر قريش محافظت فرما.

باز در روایتی امیر المؤمنین (علیه السلام) می فرماید:

ما لي و لقريش! إنما وترتهم بأمر الله و أمر رسوله ، فهذا جزاء من أطاع الله و رسوله إن كانوا مسلمين؟!

قريش با من چه کار دارد ، اگر سران قريش را در بدر و احد و یا حنین از بين برده امام حسين (علیه السلام) ، به امر خدا و امر رسول خدا بوده؛ اگر مسلمان هستید ، آیا اين چنین است پاداش کسی که مطیع خدا و رسول اکرم (صلي الله عليه و آله) باشد.

فاطمه زهراء (سلام الله عليها) هم می گوید:

و ما الذي نقموا من أبي الحسن؟ نقموا والله منه نكير سيفه.

چه انتقامی است که از ابي الحسن (علیه السلام) می گیرند؟ قسم به خدا! انتقام شمشیر علي را که در جنگ بدر و حنین وارد ساخت ، می گیرند.

بلاغات النساء لابن طيفور ، ص 20 - السقيفه و فدك للجوهري ، ص 120 - شرح نهج البلاغه لابن أبي الحديد

المعتزلي ، ج 16 ، ص 233

اینها کاملاً روشن و واضح است و من جمله ای را در پایان این پاسخ عرض کنم که آقا امیر المؤمنین (علیه السلام) در عبارتی دیگر دارد:

كل حقد حقدته قريش علي رسول الله ، أظهرته في و ستظهره في ولدي من بعدي.

هر کینه ای که قریش در دل داشت بر ضد رسول خدا ، همه را در من علی آشکار کردند و قریش این کینه های خود را نسبت به فرزندان من هم انجام خواهند داد.

شرح نهج البلاغه لابن أبي الحديد المعتزلي ، ج 20 ، ص 328

جناب خوارزمی از علمای بزرگ أهل سنت يك عبارتی دارد و می گوید آقا امام حسین (علیه السلام) که در کربلاء بر روی زمین افتاد ، فرمود:

بسم الله و بالله و علي ملة رسول الله ... إلهي إنك تعلم أنهم يقتلون رجلا ليس علي وجه الأرض ابن نبي غيره ، ثم أخذ السهم فأخرجه من قفاه ، فأنبعث الدم كالميزاب ، فوضع يده علي الجرح فلما إمتلأت رمي به إلي السماء.

خدایا! تو می دانی ، اینها مردی را می کشند که فرزند رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) غیر از من روی زمین نیست؛ بعد تیری را که بر حضرت زده بودند ، از پشت سر بیرون آورد و خون همانند ناودان جریان پیدا کرد و خون را گرفت و به آسمان پرتاب کرد.

و بعد مي گوید وقتي آقا امام حسين (عليه السلام) دستشان را از خون پر کرد و به آسمان پرتاب کرد و دوباره پر کرد و صورت و محاسن بزرگوار را با خون خضاب کرد ، فرمود:

إني هكذا أكون حتى ألقى جدي رسول الله و أنا مخصوب بدمي و أقول يا رسول الله قتلتني فلان و فلان.

من دوست دارم با همين بدن آغشته به خون ، جدم رسول اکرم (صلي الله عليه و آله) را ملاقات کنم و به رسول اکرم (صلي الله عليه و آله) بگويم که فلاني و فلاني مرا کشتند.

مقتل الحسين خوارزمي ، ج 2 ، ص 24

و در زیارت عاشوراء مي خوانيم:

و لعن الله أمة قتلنكم و لعن الله الممهدين لهم بالتمكين من قتالكم.

*** * * * ***

آقاي هدايتي

حضرت زينب (سلام الله عليها) در يکي از خطابه هاي شان در عصر عاشوراء فرمودند:

بأبي من أضحى عسكره في يوم الإثنين نهبا.

پدرم فدای آن کسی که سپاهش روز دوشنبه قربانی و غارت شد.

وا حزناه! وا كرباه! اليوم مات جدي رسول الله.

امروز جدم رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) از دنیا رفت.

التهوف للسید بن طاووس ، ص78

روز دوشنبه روزی است که رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) رحلت فرمودند؛ آن روز جانگدازی که نقطه انحراف امت اسلامی آغاز شد. باید ارتباط روز دوشنبه رحلت پیامبر (صلی الله علیه و آله) با روز دوشنبه روز عاشوراء حسینی دانسته شود. لطفا در مورد مطالب حضرت زینب (سلام الله علیها) توضیحاتی بدهید.

استاد حسینی قزوینی

در رابطه با عبارت حضرت زینب (سلام الله علیها) ، هم در رابطه با شب عاشوراء است و هم روز عاشوراء؛ ولی آنچه که أهل سنت در کتاب های معتبر تاریخی آورده اند ، اینها تقریبا قضایا را به شب عاشوراء مرتبط کرده اند که ابو الفرج اصفهانی در کتاب **مقاتل الطالبین** از آقا امام سجاد (علیه

السلام) نقل مي کند که شب عاشوراء حضرت زينب (سلام الله عليها) وقتي يقين کردند فردا همان روز موعودي است که رسول اکرم (صلي الله عليه و آله) ، آقا امير المؤمنين (عليه السلام) ، امام حسن (عليه السلام) و أم سلمه از آن خير داده اند ، همه اين قضايا را حضرت زينب (سلام الله عليها) از دوران طفوليت مي دانست و اين که در روز عاشوراء مصيبت و فجايي که بدست دودمان بني اميه انجام مي گيرد همه را مي دانست ، وقتي سخنراني آقا امام حسين (عليه السلام) را شنيدند که به ياران بشارت رفتن به بهشت دادند ، حضرت زينب (سلام الله عليها) صدا زد:

وا حزناه! وا كرباه! اليوم مات جدي رسول الله.

امروز جدم رسول اکرم (صلي الله عليه و آله) از دنيا رفت.

مقاتل الطالبين ، ص 75 - مقتل الحسين للخوارزمي ، ج 1 ، ص 238 - الكامل لابن الأثير ، ج 4 ، ص 24 - تاريخ الطبري ، ج 4 ، ص 319 - الفتوح لابن أعثم ، ج 5 ، ص 94

يعني ارتباط مي دهد شهادت آقا امام حسين (عليه السلام) را به روز رحلت نبي مکرم (عليه السلام) .

ولي بزرگان و مقتل نويسان شيوعي در روز عاشوراء هم همين عبارت را آورده اند ، وقتي چشم مطهر حضرت زينب (سلام الله عليها) به بدن هاي پاره پاره شهداء افتاد ، ندا داد:

بصوت حزين و قلب كئيب ، يا محمداه! صلي عليك مليك السماء ، هذا حسين مرملة بالدماء

اي جدم رسول اكرم (صلي الله عليه و آله) ! بر تو باد درود ملائك آسمان ها ، اين حسين
توست كه بر روي ريگ هاي بيابان داغ كربلاء بدن پاره پاره اش افتاده ، دختران تو را دارند به
اسارت مي برند.

تا آنجا كه فرمود:

وا حزناه! وا كرباه! عليك يا ابا عبد الله ، اليوم مات جدي رسول الله ، يا أصحاب محمداه!
هؤلاء ذرية المصطفى يساقون سوق السبايا.

امروز جدم رسول اكرم (صلي الله عليه و آله) از دنيا رفت؛ اي اصحاب محمد (صلي الله
عليه و آله) ! اينها همه ذريه هاي رسول اكرم (صلي الله عليه و آله) هستند ، همانند اسيران
دارند اينها را به اسيري مي برند.

مثير الأحزان لابن نماي حلي ، ص 59 - اللهوف للسيد بن طاووس ، ص 78 - بحار الأنوار للمجلسي ، ج 45 ، ص 58 -
لواعج الأشجان للسيد محسن امين ، ص 198.

اما عبارتي كه حضرت زينب (سلام الله عليها) فرمودند:

بأبي من أضحي عسكريه في يوم الإثنين نهيا.

صاحب **عوامل** این تعبیر را دارد:

هنگامی که حضرت زینب (سلام الله علیها) چشمش به بدن قطعه قطعه حسین (علیه السلام) افتاد ، فرمود:

هذا حسین محزوز الرأس من القفا ، مسلوب العمامة و الرداء ، بأبي من عسكرة في يوم الاثنين نهبا.

این حسینی است که سر او را از پشت کردن جدا کردند؛ عمامه و لباس های او را به غارت برده اند؛ پدرم فدای آن حسینی که در روز دوشنبه خیمه گاه او را به غارت بردند.

العوامل ، ص 303

عبارتی که مرحوم سید بن طاووس در **اللّهوف** و سید محسن امین در **لواعج الأشجان** دارند ، همان تعبیری است که شما اشاره کردید:

بأبي من أضحى عسكرة في يوم الاثنين نهبا.

پدرم به فدای آن کسی که خیمه اش روز دوشنبه به غارت رفت.

اللاهوف ، ص78 - لواعج الأشجان ، ص197

البته در اینجا مرحوم محدث قمی (رضوان الله تعالی علیه) که از محدثان بنام شیعه است ، تعبیری دارد در کتاب **الأنوار البهية** که از قول مسعودی صاحب **مروج الذهب** نقل می کند:

در روز وفات امام هادی در دوران خلافت معتز ، دیدند يك كنيزي پشت جنازه امام هادي نوحه مي خواند و ناله مي کند و روز شهادت امام هادي روز دوشنبه بود و 4 روز مانده به آخر جمادي الآخر سال 254 هجري ، يعني روز 26 ماه ، اين كنيز در نوحه گريش اين را مي خواند:

ماذا لدينا في يوم الاثنين قديما و حديثا.

خدایا! ما در روز دوشنبه ، چه مصیبت هایی را تحمل کردیم؛ چه در گذشته و چه امروز؛

الأنوار البهية ، ص298 - مروج الذهب ، ج4 ، ص84

مرحوم محدث قمی (ره) می گوید:

أشارت الجارية بهذه الكلمة إلي يوم وفات النبي.

این کنیز این تعبیر را اشاره دارد به روز دوشنبه ای که رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) از دنیا رفت و ماجرای بیعت سقیفه آغاز شد.

بعد مرحوم محدث قمی (ره) می گوید:

أخذت الجارية هذه عن عقيلة الهاشميين زينب بنت امير المؤمنين (عليه السلام) .

این کنیز این تعبیر را از عقيله بني هاشم زينب كبري (سلام الله عليها) یاد گرفته است.

که در روز عاشوراء به هنگام نوحه سرائی برای امام حسین (علیه السلام) در آنجا فرمودند:

بأبي من أضحى عسكرة في يوم الاثنين نهيا.

اینجا هم مرحوم محدث قمی (ره) صراحت دارد که از این تعبیر روز دوشنبه ، اشاره به روز وفات رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) دارد. شاید در ذهن بعضی از بینندگان عزیز این طور باشد که روز شهادت امام حسین (علیه السلام) روز دوشنبه بوده که زينب كبري (سلام الله عليها) می گوید:

پدرم به فدای آن کسی که خیمه اش روز دوشنبه (عاشوراء) به غارت رفت.

در اینجا توجه بینندگان عزیز را جلب می کنم که بزرگان أهل سنت آورده اند که روز عاشوراء ، با چه

إبن عساكر در **تاریخ دمشق** مي نويسد:

فأجمع أكثر أهل التاريخ ، أنه قتل في المحرم سنة إحدى و ستين يوم عاشوراء ، يوم سبت و قيل الجمعة.

اکثر تاریخ نویسان بر این عقیده اند که حسین در ماه محرم سال 61 که روز شنبه بوده به شهادت رسیده است ، و بعضی گفته اند روز جمعه بوده است.

تاریخ مدینه دمشق لإبن عساكر ، ج 14 ، ص 249

و هم چنین إبن حجر عسقلاني در کتاب **تلخیص الحبير** مي نويسد:

إن قتل الحسين كان يوم عاشوراء يوم الجمعة سنة إحدى و ستين.

امام حسين (عليه السلام) در روز عاشوراء سال 61 ، در روز جمعه کشته شد.

تلخیص الحبير ، ج 5 ، ص 84

بعضی عاشوراء را در روز جمعه و بعضی روز شنبه نقل کرده اند.

مقائل الطالبین ، ص 51 - تهذیب الکمال للمزی ، ج 6 ، ص 445

حتی يك روايت ضعيف در تاريخ ما نداريم که روز شهادت امام حسين (عليه السلام) در روز دوشنبه بوده باشد.

* * * * *

آقای هدایتی

هنگامی در همان خطبه که حضرت زینب (سلام الله علیها) می گوید:

یا أصحاب محمداه! هؤلاء ذریه المصطفی یساقون سوق السبایا.

خطاب به چه کسانی است؟ اگر خطاب به لشکریان عمر سعد است که ظاهر جمله هم همین طور است ، آیا در بین لشکریان عمر سعد از اصحاب رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) هم بودند؟ چنان چه تاریخ گواهی می دهد که از اصحاب رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) در میان یاران امام حسین (علیه السلام) بودند. این را لطفا توضیح بدهید به ضمیمه این حدیث مشهور که قبلا فرموده اید:

رسول اکرم (صلي الله عليه و آله) در روز قیامت مي بینند که عده زيادي از اصحاب را مگر تعداد کمی ، به طرف جهنم مي برند ، رسول اکرم (صلي الله عليه و آله) سؤال مي کند اينها که هستند؟ خطاب مي رسد: يا رسول الله! اينها بعد از تو به انحراف رفتند.

این دو مطلب را در کنار هم تحليل بفرمائيد.

استاد حسيني قزويني

در رابطه با این که حضرت زينب (سلام الله عليها) اشاره مي کند به این که **يا اصحاب محمداه!** قطعا اشاره به لشکريان عمر سعد نيست و هيچ شك و شبهه اي نيست؛ حتي يك نفر هم ادعا نکرده که از اصحاب نبي مکرم (صلي الله عليه و آله) يك نفر هم در ميان لشکريان عمر سعد بوده؛ اينجا خطاب به همان اصحاب رسول اکرم (صلي الله عليه و آله) است و آنهايي که این را زمينه سازي کردند که معاويه روي کار بيايد و بعد از معاويه ، برخلاف عهدنامه اي که با امام مجتبي (عليه السلام) بسته بود و بر خلاف سنت رسول اکرم (صلي الله عليه و آله) ، يزيدي که شارب الخمر و ميمون باز و قمارباز بود بر سر کار بيايد و اصلا معتقد به اسلام نبود؛ همان طور که خودش با ديدن سر مطهر آقا امام حسين (عليه السلام) ، شروع کرد به استهزاء کردن رسول اکرم (صلي الله عليه و آله) :

لعبت هاشم بالملك ، فلا خير جاء و لا وحي نزل.

حضرت زینب (سلام الله علیها) اشاره دارد به اصحاب رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) که این زمینه را ایجاد کردند و بینند که: **یساقون سوق السبایا** ، امروز فرزندان و ذریه رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) را همانند اسرای کفار و مشرکین به اسارت می برند.

آن روایتی را هم که شما اشاره داشتید ، در **صحیح بخاری** نقل می کند از نبی مکرم (صلی الله علیه و آله) که می فرماید:

فقال: هلم ، فقلت: أين؟ قال: إلى النار والله ، قلت: ما شأنهم؟ قال: إنهم ارتدوا بعدك علي أديارهم القهقري ، فلا أراه يخلص منهم إلا مثل همل النعم.

فردای قیامت را می بینم که بعضی از صحابه مرا می برند ، عرض می کنم: اینها را کجا می برید؟ خطاب می رسد: به خدا سوگند اینها را به سوی آتش جهنم می بریم ، می گویم: اینها مگر چه کار کرده اند که به سمت آتش جهنم می برید؟ اینها بعد از تو مرتد شدند و به افکار جاهلیت برگشتند. بعد نبی مکرم (صلی الله علیه و سلم) می فرماید: و من می بینم که از این صحابه من ، جز تعداد اندکی از جهنم خلاصی نمی یابند.

صحیح بخاری ، ج 7 ، ص 207 ، ح 6587 - عمدہ الفاری شرح صحیح البخاری للعینی ، ج 23 ، ص 142

این عبارت در **صحیح بخاری** و **صحیح مسلم** و سایر کتب معتبر اهل سنت هست؛ حتی من دیدم یکی از بزرگان اهل سنت نوشته:

إن شاء الله سر فرصت راجع به حدیث حوض با بینندگان مفصل صحبت خواهیم کرد.

این کاملاً مشخص است بر این که این قضیه: **إنهم ارتدوا بعدك علي أديارهم القهقري** ، همان طور که ابن اثیر هم از علمای اهل سنت دارد این ارتداد ، ارتداد از ایمان نیست؛ بلکه مراد از این ارتداد عبارت است از ترك اساسی ترین سخنان نبی مکرم (صلی الله علیه و آله) است که خود ابن اثیر در کتاب **النهاية في غريب الحديث** صراحت دارد:

و في حديث القيامة و الحوض ، فيقال إنهم لم يزالوا مرتدين علي أديارهم القهقري ، أي متخلفين عن بعض الواجبات و لم يرد ردة الكفر.

این صحابه که مرتد شدند و به دوران جاهلیت برگشتند ، یعنی از بعضی از واجبات تخلف کرده اند و قطعاً ارتداد کفری نیست.

النهاية في غريب الحديث ، ج 2 ، ص 214

ما هم بر این باور هستیم که یکی از اساسی ترین واجبی که صحابه بی توجی کردند و ترك کردند ، بحث وصیت نبی مکرم (صلی الله علیه و آله) درباره علی (علیه السلام) و اهل بیتش بود ، یعنی به تعبیر یکی از بزرگان اگر چنان چه خداوند در قرآن نفرموده بود:

قل لا أسئلكم عليه إلا المودة في القربى.

أجر رسالت را مودت في القربى قرار داده.

سوره شوره/آیه 23

اگر رسول اکرم (صلي الله عليه و آله) نفرموده بود که علي (عليه السلام) و حسن و حسين (عليهما السلام) طبق رواياتي که نقل کردیم:

أنا حرب لمن حاربهم و من حاربهم فقد حاربتني.

هر کس با اينها بناي جنگ بگذارد ، با من بناي جنگ گذاشته است.

اگر اصلا چيزي نگفته بود ، آیا براي رسول اکرم (صلي الله عليه و آله) که 23 سال تمام ، تلاش شبانه روزي خود را به کار بسته براي نجات اين امت از بت پرستي ، از شرك ، از زير خاک زنده زنده دفن کردن ، از فساد و از هرگونه آلودگي ها نجات داده ، آیا واقعا نتيجه زحمات نبي مکرم (صلي الله عليه و آله) همین بوده؟! اگر رسول اکرم (صلي الله عليه و آله) فرموده بود: مردم! در حق اهل بيت من ، از هرگونه بدی و دشمني و عداوت خودداري نکنيد و هرچه از دست تان بر مي آيد ، عداوت در حق آنها انجام دهيد ، آیا بيش از اين مي توانستند بکنند؟! آن حادثه حضرت فاطمه زهراء (سلام الله عليها) ، آن آقا امير المؤمنين (عليه السلام) ، آن آقا امام مجتبي (عليه السلام) که جنازه اش

در روز روشن تیرباران شد ، این آقا امام حسین (علیه السلام) و روز عاشوراء ، این بچه های رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) را به اسیری برد؛ اگر رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) دستور داده بود به عداوت اهل بیت (علیهم السلام) ، من گمان نمی کنم بیش از این دودمان بنی امیه و قریش می توانستند در حق اهل بیت رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) بدی کنند.

إن شاء الله قیامتی است و در محکمه عدل إلهی ، همه شاهد محاکمه این افرادی که این زمینه ها را فراهم کردند ، خواهیم بود.

* * * * *

آقای هدایتی

فلسفه قیام امام حسین (علیه السلام) چه بوده است؟ در چند جمله کوتاه بیان بفرمائید.

استاد حسینی قزوینی

در رابطه با فلسفه قیام امام حسین (علیه السلام) سخن بسیار است؛ همان طور که بینندگان عزیز چه از **شبکه سلام** و چه از سایر رسانه ها ، این قضایا را شنیده و دیده اند؛ ولی من در جمله ای کوتاه و مختصر عرض کنم:

بعد از رسول اکرم (صلي الله عليه و آله) که مسیر امت اسلامي به انحراف رفت و آنجائي که بايد خليفه و جانشين به حق و راهنماي مردم ، که به امر الهي ، نبي مکرم (صلي الله عليه و آله) معين کرده بود ، او را کنار زدند و افراڊي که آشنائي آن چناني با معارف اسلامي نداشتند ، سر کار آمدند و باعث شد آنچه که نبي مکرم (صلي الله عليه و آله) در طول 23 سال زحمت کشيده بود و در جامعه إحياء کرده بود ، به نام سنت ، دست خوش تغيير شد و اينها در اثر گذشت زمان ولو در همان 25 سال (خانه نشيني امير المؤمنين (عليه السلام)) يا 50 سال (فاصله رحلت نبي مکرم (صلي الله عليه و آله) تا روز عاشوراء) به قدری دست خوش تغيير شد که آقا امام حسين (عليه السلام) ديد هيچ گونه صبر و تحمل امکان پذير نيست. من يك روايتي را نقل مي کنم از **صحيح بخاري و صحيح مسلم** و **عمدة القاري** از عمران بن حصين ، نقل مي کنند که وقتي آقا امير المؤمنين (عليه السلام) در بصره نماز جماعت خواندند ، ايشان مي گويد:

قد ذكرني هذا صلاة محمد أو قال: صلي بنا صلاة محمد.

اين نماز علي ، ياد آور نماز رسول اکرم است.

صحيح بخاري ، ج 1 ، ص 200 ، >784- صحيح مسلم ، ج 1 ، ص 191 ، >393- عمدة القاري شرح صحيح البخاري للعيبي ، ج 6 ، ص 59

اين جمله خيلي پرمعنا است و خيلي پيام دارد. يعني اين صحابه اي که با رسول اکرم (صلي الله عليه و آله) نماز خوانده بودند ، مي ديدند نمازي که در جامعه آن روز به پا مي شود با نماز رسول

اکرم (صلي الله عليه و آله) سنخيت ندارد و نماز امير المؤمنين (عليه السلام) است که با نماز رسول اکرم (صلي الله عليه و آله) سنخيت دارد. يك تعبيری دارد جناب شافعي ، رهبر شافعي ها در کتاب **الأم** از وهب بن کيسان نقل مي کند:

كل سنن رسول الله (صلي الله عليه و سلم) قد غيرت حتى الصلاة.

تمام سنت رسول اکرم (صلي الله عليه و سلم) در جامعه دست خوش تغيير و تحريف شده؛ حتي نماز واجب.

الأم للشافعي ، ج 1 ، ص 269

يك تعبيری نقل مي کند از وهب که اگر اصحاب رسول اکرم (صلي الله عليه و آله) برخيزند و بيابند اعمال شما را ببينند ، جز اين که شما رو به قبله مي ايستيد ، ديگر هيچ اثری از آثار زمان رسول اکرم (صلي الله عليه و آله) در ميان شما نخواهند ديد.

از اينجا پي توان بردن که در دريا چه طوفان است

وقتي که نماز يا سنت رسول اکرم (صلي الله عليه و آله) اينچنين تغيير مي يابد و جناب وهب بن کيسان صراحت دارد و خود عمران بن حصين نماز امير المؤمنين (عليه السلام) را يادآور نماز رسول اکرم (صلي الله عليه و آله) مي داند ، خوب مشخص است در اين موقعيت و بحران ، وظيفه آقا امام حسين (عليه السلام) است که بي مهابا برخيزد و با إهداء خون خودش و اسارت عزيزانش ،

برده از روی چهره نفاق دودمان بنی امیه بردارد. دودمان بنی امیه ای که خود را خلیفه رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) و نماینده مردم و بلکه خلیفه خدا می دانستند. خیلی جالب است که حتی حجاج بن یوسف ثقفی هم به يك مرحله ای رسیده که می گوید:

إني لا أعمل إلا بوحى.

من هر کاری می کنم ، از بالا جبرئیل برای من وحی می فرستد و من طبق وحی کارهایم را انجام می دهم.

تاریخ مدینه دمشق لابن عساکر ، ج 12 ، ص 160

إن خبر السماء لم ينقطع عن الخليفة الأموي.

خبر آسمان از دودمان بنی امیه و خلفای بنی امیه قطع نشده است.

تهذیب تاریخ دمشق ، ج 4 ، ص 72

یعنی همان طوری که در رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) بر ایشان وحی می شد ، برای بنی امیه هم از بالا وحی می شود و اینها بدون وحی حرکت نمی کنند. آقا امام حسین (علیه السلام) با قیامش ، این لباس قداستی که بر بدن درندگان بنی امیه شده بود ، این لباس را کند و چهره واقعی

یزید و دودمان یزید را برای مردم کاملاً معرفی کرد و مردم متوجه شدند که قضیه غیر از آنی است که دودمان بنی امیه در بالای منبر برای آنها بیان می کنند.

* * * * *

سوالات بینندگان

سؤال:

اگر رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) امروز حضور داشتند ، چه کاری را در اولویت قرار می دادند؟

جواب:

مشخص است که رسالت رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) احیاء شریعت و احیاء مردم است. قرآن صراحت دارد در **سوره انفال آیه 24**:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اسْتَجِيبُوا لِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ إِذَا دَعَاكُمْ لِمَا يُحْيِيكُمْ

ای کسانی که ایمان آوردید! دعوت خدا و رسول خدا را اجابت کنید که شما را دعوت می کنند برای چیزی که حیات شما در آن است.

یعنی وقتی که رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) بیاید و این شاء الله روزی که حضرت ولی عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) بیاید ، مردم را از مرده دلی و توجه به مادیت و دل مردگی نجات می دهد ، مردم را هم به حیات مادی دنیوی و هم رفاه می رساند ، به طوری که وقتی ایشان ظهور می کند ، مردم از نظر رفاه به مرحله ای می رسند که حتی فقیری پیدا نمی شود که مردم زکات واجب شان را به او بدهند؛ از نظر امنیت به مرحله ای می رسد که اگر يك زن به تنهایی از غرب عالم بخواهد به شرق عالم برود ، کسی متعرض او نمی شود؛ یا آن چنان امنیت ایجاد می شود که گرگ و میش با هم در يك آبشخور آب می خورند و گرگ را جرأت تعرض به میش و نه میش ترسی از گرگ دارد؛ این يك نکته.

نکته دیگر این که در **سوره جمعه آیه 2** می فرماید:

هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمِّيِّينَ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ

خدایی که پیامبری را از خود مردم برگزید تا این که آیات خدا را بر مردم قرائت کند و از هرگونه آلودگی و وابستگی به نفس اماره و گناه و معصیت پاک کند و از نظر مسائل علمی و فرهنگی به مرحله ای برساند که نمونه ای در تاریخ بشری برای آن نباشد.

پس اگر آقا رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) بخواهد بیاید ، مردم و جامعه را به مرحله ای می رساند که بالاترین مرحله کمال و ایده آل بشری است.

سؤال:

از پاکستان تماس می گیرم ، نمی دانم روز دهم ماه محرم فردا است یا پس فردا؟ چون ایام ایران و پاکستان فرق می کند.

جواب:

آنچه مسلم است ، روز عاشوراء شنبه است؛ چون پاکستان با ایران هم افق است و چنانچه روز شنبه را روز عاشوراء بگیرند ، قطعاً به احتیاط نزدیک تر است. البته چنانچه حکومت پاکستان رسماً اعلام کند که روز یکشنبه روز عاشوراء است ، بر شیعیان هم لازم است از حکومت تبعیت کنند و همان روز را روز عاشوراء بگیرند. این که چه روزی باشد مهم نیست. آنچه که مهم است ، نحوه برگزاری مراسم عزاداری ماست و نحوه اظهار عشق و ارادت ماست به سرور آزادگان آقا سید الشهداء (علیه السلام) و احیاء داشتن این روز و مرام و اهداف ایشان است.

چون مکرر می شنویم درباره روزه عاشوراء ، شنندگان عزیز دقت کنند که به اتفاق فقهاء ، روزه این روز کراهت دارد. بنی امیه این روز را چون پیروز شدند ، روزه گرفتند و فقهاء فرمودند که در این روز ، تا ظهر چیزی نخورند و در عصر ، با تربت امام حسین (علیه السلام) افطار کنند و روزه‌های دیگر مستحب است. لطفا در این زمینه آنچه لازم است توضیح بدهید.

استاد حسینی قزوینی

بسیاری از اهل سنت روزه روز عاشوراء را مستحب می دانند و این هم به خاطر بدعتی است که دودمان بنی امیه گذاشتند ، به خاطر پیروزی که در روز عاشوراء سال 61 هجری داشتند و ما در زیارت عاشوراء می خوانیم:

اللهم إن هذا يوم تبرکت به بنو أمیه.

بنی امیه این روز را روز مبارکی برای خودشان قرار دادند.

ولی فقهای شیعه به اجمعهم ، روزه این روز را مکروه می دانند و حتی بعضی حرام می دانند و روزه گرفتن در روز عاشوراء صحیح نیست؛ ولو بخاطر تشبیه به اعداء عصمت و طهارت (علیهم السلام) باشد. اگر فرصتی باشد ، مدارک شیعه و سنی را در رابطه با روزه روز عاشوراء در یک جلسه مطرح خواهیم کرد. ادله ای که برادران اهل سنت در این رابطه مطرح می کنند ، کاملاً ضعیف است یا سندا یا دلالتاً و یا آنچه که جامعه اسلامی آن روز بوده و ائمه و اهل بیت (علیهم السلام) نسبت به این روز

* * * * *

سؤال:

عزاداری به سبک فعلی و با پیراهن مشکی ، آیا از زمان بعد از شهادت امام حسین (علیه السلام) اتفاق افتاده است یا از چه تاریخ دیگری؟

جواب:

قبلاً هم عرض کرده ایم که اولین گریه کننده و عزادار برای امام حسین (علیه السلام) ، خود حضرت رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) و حضرت امیر المؤمنین (علیه السلام) و حضرت فاطمه زهراء (سلام الله علیها) و ام سلمه بودند و اولین عزاداری در کربلائی معلی ، روز یازدهم محرم در کنار اجساد مطهر شهداء ، توسط جناب حضرت زینب (سلام الله علیها) و امام سجاد (علیه السلام) انجام گرفت و دومین عزاداری بعد از ورود کاروان اسراء به کوفه ، آقا امام سجاد (علیه السلام) و حضرت زینب (سلام الله علیها) و ام کلثوم (سلام الله علیها) با خواندن خطبه های قراء و کوبنده ، کوفه را به عزاخانه مبدل کردند و مردم با دست خود به سر و صورت خود می زدند و ناله و ضجه تمام خانه ها و کوچه ها و خیابان های کوفه را فرا گرفت.

سومین باری که عزاداری رسمی شد ، خطبه امام سجاد (علیه السلام) بود در شام ، که با خطبه خواندن آقا امام سجاد (علیه السلام) ، آن چنان ناله و گریه و ضجه در مسجد برخواست که یزید وحشت کرد و به مؤذن دستور داد تا اذان بگوید و صدای امام سجاد (علیه السلام) را نگذارند به گوش مردم برسد.

تاریخ الطبری ، ج 4 ، ص 353

عزاداری چهارمی که عزاداری رسمی بود ، أهل بیت (علیهم السلام) بعد از برگشتن به مدینه منوره ، در آنجا مفصل آقا امام سجاد (علیه السلام) و حضرت زینب (سلام الله علیها) تمام قضا یا را نقل کردند و مردم مدینه سراپا در گریه و ناله و شیون و ضجه بودند.

صورة الحسين في الوجدان شعبي ، ص 265

ائمه (علیهم السلام) ، آقا امام سجاد (علیه السلام) ، امام باقر (علیه السلام) ، امام صادق (علیه السلام) ، امام کاظم (علیه السلام) ، امام رضا (علیه السلام) و هر کدام از ایشان ، که امکان بود در خانه های خود یا بعضی در روزهای عرفه ، این عزاداری را داشتند. در سال 252 هجری توسط معز الدولة ، کاملاً عزای عمومی و تعطیل عمومی اعلام شد و مردم به صورت سینه زنان با لباس سیاه در خیابان ها آمدند و عزاداری امام حسین (علیه السلام) را به پا کردند. در سال 307 هجری در آفریقا در ماه محرم ، معز بن بادیس ، لشکریان خود را به قتل شیعیان دستور داد و أهل سنت را در این امر آزاد گذاشت و در آنجا مسائل خیلی مفصلی انجام شد؛ ولی شیعیان به مساجد و حسینیه ها رفتند و عزاداری امام حسین (علیه السلام) را انجام دادند.

این قضایا کاملاً مشخص بوده و بعد از فروپاشی دودمان بنی العباس و روی کار آمدن مغول ، اینها به کشورهای اسلامی و شهرهای شیعه نشین ، برای عزاداری امام حسین (علیه السلام) آزادی ویژه ای دادند. البته ما در اینجا گلایه ای داریم که بعضی تحریفاتی در این زمان نسبت به قضیه عاشوراء انجام دادند که این شاء الله اگر بنا شد آسیب های کربلاء و عزاداری را مطرح کنیم ، اشاره خواهیم کرد. این قضیه عزاداری رسمی برای امام حسین (علیه السلام) و ناله و شیون و به سر و سینه زدن به همین شکل از روز یازدهم عاشوراء شروع شده و به همین شکل ادامه یافته است.

* * * * *

سؤال:

بنده از آمریکا تماس می گیرم ، ما چطوری می توانیم این پیام کربلاء را به جوان های مان برسانیم؛ متأسفانه جوان های ما اینجا یاد گرفته اند همه دنبال شادی و خوشحالی و اوقات خوش بیهودگی و بطالت داشته باشند و مسائل را می خواهند سطحی بنگرند. ما چطوری می توانیم این پیام عمیق الهی و این پیام حضرت زینب (سلام الله علیها) را به این جوانان بدهیم ، تا بفهمند این زندگی ، آنچه که آنها احساس می کنند نیست؛ بلکه يك تحولي در آنها ایجاد بشود و این شاء الله ببینیم جوان های مان قدری رشد می کنند؟

من به این عزیز و دیگر عزیزان در سایر کشورها که صدای برنامه یا ضبط برنامه را می شنوند و می بینند ، تقاضا می کنم که ایام عزاداری امام حسین (علیه السلام) را همانگونه که در ایران بوده و هست ، در آنجا هم انجام دهند؛ ولو این که دو یا سه خانواده هستید. یا اگر یک خانواده هم هستید ، شبکه هایی که عزاداری امام حسین (علیه السلام) را پخش می کنند ، بچه ها را دور خودتان جمع کنید. دوستان خود را جمع کنید ، یک اطعامی بدهید برای امام حسین (علیه السلام) و بخاطر خداوند تا این که این قضیه عزاداری را حفظ کنید و بتوانید همین 4 ، 5 نفری گریه کنید و سینه بزنید؛ قضایا و اهداف عاشوراء را برای بچه های تان بصورت قصه تعریف کنید؛ تلاش کنید و نگذارید این ها از امام حسین (علیه السلام) جدا بشوند و اگر چنان چه بچه های تان با امام حسین (علیه السلام) ، ولو پیوند ضعیفی داشته باشند و با یک سینه زدن ارادت شان را نشان بدهند ، إن شاء الله آنان با همین ارتباط ، با نظر ولایي آقا امام حسین (علیه السلام) از سقوط در منجلاب فساد نجات پیدا می کنند.

* * * * *

سؤال:

در رابطه با قمه زنی می خواستم بپرسم که آیا از اول حرام بوده یا حلال بوده؟ چرا نظر علمای فعلی با علمای قدیم فرق می کند. این را توضیح دهید.

هر کسی آنچه که برایش واجب است ، تبعیت از مرجع تقلید عصر خودش است. بر فرض اگر مرحوم شیخ انصاری (ره) ، 200 سال قبل ، يك نظري مي داد ، این برای شیعیان زمان ما حجت نیست ، هر کس از هر مرجعی تقلید می کند ، از دفتر مراجع فعلی سؤال کند و فتوایشان را جویا شود.

من نظر شخصی خودم را می گویم و کاری با نظر مراجع بزرگوار تقلید و علماء ندارم ، الآن حتی اگر قمه زنی را يك امر مقدسی بدانیم ، ولي وقتي مي بينيم از این عمل ما ، وهابیت سوء استفاده می کنند و در سایت های متعدد وهابیت ، قمه زنی های شیعیان را می گذارند و به عنوان این که اینها عقل ندارند و یا قمه زنی يك طفل كوچك را گذاشته اند و تعابیر خیلی وقیح و زشت بکار می برند و این عمل به يك عمل ضد تبلیغی تبدیل شده؛ لذا با توجه به این که دشمنان شیعه ، حداکثر سوء استفاده را از این قضیه می کنند و تحریک عواطف بعضی ها را نسبت به شیعه انجام می دهند ، این امر ، امروز در جامعه صحیح نیست و باید يك جامعه ای باشد که تالی فاسدی نداشته باشد و واقعا موجب وهن مذهب نشود. قطعاً مادامی که هیچ ضرری برای بدن نداشته باشد ، هیچ اشکالی ندارد؛ همان طوری که فقهای قدیم ما نظر داشتند.

باز هم می گویم که عزیزان از هر کجای دنیا که هستند و از هر مرجعی که تقلید می کنند ، با تماس یا ارتباط با سایت یا دفتر آن مرجع (تلفن ، فکس ، اینترنت) ، نظرشان را جویا شوند و نظر آنان حجت است نه نظر بنده.

* * * * *

* * * * *

* * * * *

««« و السلام عليكم و رحمة الله و بركاته »»»